

شناخت ادیان

برگرفته از آثار

امام خمینی (س)

www.ketab.ir

تدوین: مهوش شاه‌محمدی

شناخت ادیان برگرفته از آثار امام خمینی(س) / تدوین مهوش شاه‌محمدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج. ۱۳۸۲. سی و سه، ۴۳۷ ص.

ISBN: 964 - 335 - 619 - 1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۴۳۳-۴۳۷. ۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. - مقاله‌ها و خطابه‌ها - نظریه درباره ادیان. ۲. ادیان. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). مؤسسه چاپ و نشر عروج. ب. شاه‌محمدی، مهوش، ۱۳۴۸. - گردآورنده. ج. عنوان.

۹۵۵/۰۸۴۲

کتابخانه ملی ایران
ش ۳۶ الف / ۵ / DSR ۱۵۷۴

م ۸۲ - ۶۶۹۵

کد / م ۱۶۵۵

www.ketab.ir



مؤسسه چاپ و نشر عروج

□ شناخت ادیان - برگرفته از آثار امام خمینی(س)
○ تدوین: مهوش شاه‌محمدی

○ ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

○ نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۳ ۵۰۰ نسخه

○ قیمت:



101008000100001

شناخت ادیان

خیابان انقلاب بین فروردین و فجر رازی، فروشگاه مرکزی تلفن: ۶۴۰۴۸۷۳. دورنگار: ۶۴۰۰۹۱۵

خیابان انقلاب تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱ تلفن: ۶۷۰۱۲۹۷

خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین خیابان شهدای ژ اندامری، فروشگاه شماره ۲ تلفن: ۶۹۵۵۷۳۷

حرم مطهر حضرت امام خمینی(س) ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳ تلفن: ۵۲۰۳۸۰۱

کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: info@imam-khomeini.org

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| یک | مقدمه |
| ۱ | فصل اول: ادیان و مکاتب |
| ۳ | دین |
| ۳ | تعریف دین |
| ۵ | فواید دین |
| ۶ | مکاتب |
| ۶ | مکاتب توحیدی |
| ۱۵ | مکاتب غیر توحیدی |
| ۲۱ | معرفی انبیاء الهی (آوردندگان ادیان الهی) |
| ۲۱ | حضرت نوح (ع) |
| ۲۱ | حضرت ابراهیم (ع) |

www.ketab.ir

| | |
|----|---------------------|
| ۲۳ | زرتشت |
| ۲۳ | حضرت موسی (ع) |
| ۲۵ | حضرت عیسی (ع) |
| ۲۷ | حضرت محمد (ص) |
| ۳۲ | - اصول اسلام |
| ۴۴ | - قرآن سرورش آسمانی |

فصل دوم: مکتب انبیا

| | |
|-----|---------------------|
| ۸۷ | بعثت انبیا |
| ۸۷ | اهمیت و ضرورت انبیا |
| ۹۶ | عصمت انبیا |
| ۹۸ | دعوت انبیا |
| ۱۰۳ | تعالیم انبیا |
| ۱۳۲ | وحدت انبیا |
| ۱۳۴ | اهداف انبیا |
| ۱۳۴ | توحید |
| ۱۴۱ | انسان‌سازی |
| ۱۵۹ | عدالت |

فصل سوم: آزادی و حقوق ادیان در اسلام و ایران

| | |
|-----|----------------|
| ۱۸۹ | مفهوم آزادی |
| ۱۹۰ | آزادی در اسلام |

| | |
|-----|-----------------------------|
| ۲۰۷ | حکومت در اسلام |
| ۲۱۸ | سیره حکومتی ائمه |
| ۲۲۶ | حقوق ادیان در جمهوری اسلامی |
| ۲۳۷ | معارضه و مخالفت با دین |
| ۲۴۲ | تحریفها در مذاهب آسمانی |

| | |
|-----|--|
| ۲۷۷ | فصل چهارم: امام از نگاه چهل و یک مکاتب |
|-----|--|

| | |
|-----|--------------------|
| ۲۷۹ | اشعار |
| ۲۸۹ | خاطرات و نکته‌ها |
| ۳۰۰ | مقالات |
| ۳۰۹ | نامه‌ها |
| ۳۳۱ | دیدگاهها: رسانه‌ها |
| ۳۴۹ | اشخاص |
| ۳۹۱ | بازتاب رحلت |

| | |
|-----|-------|
| ۴۰۷ | فهارس |
|-----|-------|

| | |
|-----|--------------|
| ۴۰۹ | فهرست تفصیلی |
| ۴۳۳ | فهرست منابع |
| ۴۳۹ | اسناد |

مقدمه

بحثی پیرامون ادیان و مکاتب (سیر تطور ادیان)

نخستین عقیده سیرالمنها با وجود گرایش و کشش درونی به قدرتهای مافوق بشری در راستای نیل به آرامش روحی شکل می‌گیرد و تاریخ نشان می‌دهد که انسان در هر مکان و زمانی برای دستیابی به این آرامش در تکاپو بوده است؛ حاصل این تلاش باعث بروز اعتقادات مختلف در میان انسانها می‌شود و نگرش به سیر تاریخی ادیان به روشنی گواه این حرکت بشر و تحولات فکری او در مقاطع گوناگون است. از این رو به صورت فهرستوار به روند برخی از این تحولات اشاره می‌کنیم.

۱- ادیان ابتدایی: عقاید انسانها در این دوره به اشکال مختلف نمود و ظهور پیدا کرده است از جمله:

الف) اعتقاد به مانا (Mana) که وجود نیروی غیر ثابت، غیر مشخص، مرموز و غیبی در اشیاء که خاصیت انتقال از اشیاء جامد به افراد زنده را دارد. مانا بیشتر در موجودات و اجسام مقدس وجود داشته و انسان مانایی دارای قدرت فوق‌العاده غیرطبیعی می‌باشد.

ب) تابو (Tabu): کسانی که معتقد به تابو هستند، تصور می‌کنند که به علت

وجود نیرویی خاص در درون بعضی از اشیاء و افراد، بی حرمتی و دست‌درازی به آنها یا لباس و وسایل‌شان خطرناک است. آنها این عمل را حرام دانسته و این حرمت را تابو می‌نامند. نقض حرمت تابوگاهی از طریق قدرتهای مافوق طبیعی و در برخی موارد از طریق قوانین جامعه کیفر دارد و تابو مثل حرام در ادیان توحیدی است. ممکن است رئیس قبیله تابو باشد. در بعضی از قبایل جسد مرده، آدم غریبه، ازدواج با دختران قبیله و ... تابو هستند.

(ج) توتم (Totem): هر قبیله‌ای با حیوانی احساس نزدیکی و خویشاوندی نموده و آن حیوان توتم و حامی آنها مشخص می‌گردد. حیواناتی مانند طوطی - خرس - گرگ - مار - شیر - طاووس و ... توتم هستند، البته نحوه توتم‌پرستی به اشکال مختلفی است و جامعه‌شناسان درباره توتم و توتم‌پرستی کتابهایی نوشته‌اند.

(د) سحر: اعتقاد به سحر یعنی با تکرار بعضی از کلمات و یا انجام بعضی از اعمال توانایی قبضه قوای غیبی جهان بدست آمده و این تسخیر در ۳ موضوع است:

(۱) فیتیش (Fetish): استمداد از نیروهای نهفته در اشیاء بی‌جان مانند سنگهای آسمانی یا شاخ گوزن؛ که مرحله تکامل یافته فیتیش بت‌پرستی بوده است؛ می‌توان چنین موردی را در مردم بابل مشاهده کرد که تا پیش از ظهور حضرت ابراهیم (ع) بت‌پرست بودند؛

(۲) شمن (Shaman) به معنی به تصرف در آوردن قوای غیبی جهان است به گونه‌ای که یک نفر شمنی در بدن انسان دیگر تأثیر می‌گذارد؛

(۳) سحر عوامانه: تمام افراد قبیله (نه فقط ساحر و کاهن) با خواندن وردهایی به تصور خود زشتی‌ها و پلیدیها را به یک حیوان که قبلاً انتخاب کرده‌اند، منتقل می‌کنند و بعد از خواندن ورد آن حیوان را می‌سوزانند و یا در آب غرق می‌کنند.

(ه) آنیمیسزم (Animism): اعتقاد به آنیمیسزم یعنی اینکه همه موجودات در

طبیعت، ساکن یا متحرک و مرده یا زنده، دارای روح و روان هستند و این ارواح می‌توانند در سرنوشت انسان تأثیر داشته باشند و نمونه بارز آنیمیسیم ستاره‌پرستی است. همچنین از اعتقاد به جن و پری و دیو و غول و تناسخ می‌توان به عنوان اعتقادات آنیمیسیم نام برد.

از جمله دیگر اعتقادات در ادیان ابتدایی می‌توان از پرستش مظاهر طبیعت به اشکال گوناگون، قربانی کردن برای نیروهای غیبی، احترام به مردگان، پرستش اجداد و اختراع اسطوره‌ها بواسطه افسانه‌هایی که در خواب و رویا دیده‌اند یاد کرد.

۲- ادیان قدیم: منظور ادیانی است که در بین تمدنهای قدیم بوده امروزه یا کلاً منسوخ شده و یا کمابیش یافته آن مطرح است از جمله این ادیان می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

الف) دین مصریان قدیم: از نظر اعتقادی در میان مردم مصر قدیم پرستش خدایان متعدد و بت‌پرستی رایج بود از جمله:

۱) پرستش آفتاب: مصریان در آن زمان برای ساعاتی در طول روز که خورشید نمایان می‌شد خدایانی مطرح کرده و می‌پرستیدند مانند خپرر Kheprer (خورشید صبحگاهی)، رع Ra (خورشید نیم روزی)، آتوم Atum (خورشید شامگاهی)؛

۲) فرعون پرستی: اعتقاد به اینکه فراعنه فرزندان خدای خورشید بوده و به یاری آنان زمین را با نظم اداره می‌کنند؛

۳) افسانه خدایان سه‌گانه: اوزیریس (خدای نیل) و ایزیس (خدای زمین) و هوروس (خدای آفتاب).

ب) دین مردم بین‌النهرین قدیم (بابل): ریشه این دین را باید در تاریخ سومریها و اکادیه‌ها جستجو نمود که از عقاید فتیشیزم و آنیمیزم شروع و به صورت

چندگانه پرستی یا «پولی تثیزم» تکامل یافت و خدایان ششگانه که دو تثلیث را تشکیل می‌دادند و...

ج) دین مردم یونان: در آن دوره، از لحاظ دینی و اعتقادی، توت‌م‌پرستی، آنیمیزم، جادوگری و پولی تثیزم رواج داشت که می‌توان موارد ذیل را از مصادیق بارز پولی تثیزم دانست:

- ۱- زئوس پاتر Zeus pater (پدر آسمان که در بین رومیان به «ژوپیتر» موسوم است)؛
- ۲- خدای آپولو Apollo (خدای آفتاب)؛
- ۳- خدای پوزیدون Poseidon (خدای دریاها)؛
- ۴- خدای هستیا Hostia (خدای مونت)؛
- ۵- خدای دمی‌تر Demeter (مادر زمین)؛
- ۶- خدای هرمس Hermes (خدای حکیم)؛
- ۷- خدای آرس Ares (خدای جنگ)؛
- ۸- خدای کرونوس Khronos (خدای زمان) و...

د) دین مردم روم: توت‌م‌پرستی، آنیمیزم، سحر و جادو، و نیز در رأس همه خدایان ژوپیتر (خدای جنگجویان) قرار داشت. عقاید رومیان قدیم به نام دین نومنا Numena معروف است. آنان در این دوره خدایان دیگری را هم پرستش می‌کردند که می‌توان تحت عناوین ونوس، آپولو، هرکول و... از آنان یاد کرد.

۳- ادیان خاور دور: ادیان در این دوره شامل دین کنفوسیوس و آیین تائویی در چین و دین شینتوئیسم در ژاپن بوده است که هر کدام شامل مباحث خاص می‌باشد و در کتابهای تاریخ ادیان به صورت مفصل درباره هر یک بحث شده است.

۴- ادیان هند و بودا: ادیان در این دوران تحولات زیادی داشته‌اند و بر اساس آن تحولات به چند بخش تقسیم شده‌اند از جمله:

- ۱) دین ودایی؛ (۲) دین برهمنی؛ (۳) دین هندو (هندوئیسم)؛ (۴) دین جین؛
- جینیزیم (Jainism)؛ (۵) دین بودا (Buddhism)؛ (۶) ادیان جدید (سیکها).

۵- ادیان ایران باستان: از جمله ادیان مطرح شده در این دوره عبارتند از: (۱) زرتشت؛ (۲) مانی؛ (۳) مهرپرستی؛ (۴) زروان پرستی؛ (۵) مزدک و...^۱ و ادیانی که از دیدگاه اسلام دین الهی محسوب می‌گردند و در جهان از پیروان بسیاری برخوردار می‌باشند شامل یهود، مسیحیت و اسلام است که در صفحات بعدی به شرح هر کدام خواهیم پرداخت.

ویژگیها و فوائد پی جویی دین:

هر جا معنویت واقعی (نه تخیلات و وهمیات) رو به افول رود، سعادت انسان به مخاطره می‌افتد و با بحران روحی روبه‌رو می‌شود. در عصر کنونی و در جوامع مختلف که دیدگاه مادی و مادی‌گرای بی‌پایه و یا وابستگیهای فردی و یا گروهی شده‌اند، از این رو شناخت راه صحیح و الهی روح انسان بسیار لازم و ضروری است. اعتقاد به آفریدگار یکتا و قادر که هر چه خواهد موجود کند، باعث می‌شود که مردم در این عالم خود را همچون مسافری بیندازند. باید روزی به مأوای اصلی خود بازگردند و این به انسان آرامش داده و هدف را برای او مشخص می‌سازد؛ اما بر عهده گرفتن هدایت و راه رسیدن به خالق هستی از خصوصیات است که نیاز به تناسب روحی خاصی دارد و خداوند بر اساس حکمت متعالی خود برای هدایت انسان افرادی برجسته را از نوع بشر برگزید.

پیامبران الهی و ائمه (ع) همواره خداجویی را به مردم می‌آموختند و خود بهترین الگوهای مسلم برای همه انسانها بودند. در پرتو این تربیت، انسان از جهان طبیعت سر برآورده از ارض و سما فراتر رفته و به ملکوت راه می‌یابد. آنچه پیامبران به عنوان پیغام و سفارش خدا به مردم رساندند دین بود؛ یعنی روشی که انسان را به سعادت واقعی می‌رساند، اما دینداری بر اساس تحقیق و تشخیص است. دیندار تابعی کور نیست که بدون علم و آگاهی پیروی کند. قرآن

کریم تابعان جاهل را مورد نکوهش قرار می‌دهد که سرانجام تقلید کور نیز عذاب الیم است و همچنین است که پیامبر فکر محکم کردن، سخن متقن گفتن را به انسانها می‌آموخت.^۲

امام علی(ع) می‌فرماید: الْمُتَعَبَّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ، يَدْوُرُ وَلَا يَبْرُحُ؛ عبادت کننده ناآگاه از دین، همچون خر آسیاب است که دور خود می‌چرخد ولی از جایی که هست بیشتر نمی‌رود.^۳

و امام کاظم(ع) می‌فرماید: تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ وَ الدُّنْيَا؛ در دین خدا تحقیق کنید که فهم و فقه کلید بینایی و کامل کننده عبادت و سبب رسیدن به جایگاههای بلند و پایگاههای بزرگ در دین و دنیا است.^۴

البته در اموری، عقل انسان راهی برای کشف آن ندارد و باید در مقابل انبیاء و اولیاء تسلیم باشد برای تسلیم بودن و عمل به دستورات انبیا بدون شناخت و اوصاف آنان امکانپذیر نیست. البته آشنایی با سیره انبیا از طرف خداوند از انسان خواسته شده و این برای آرامش قلوب انسانهاست؛ زیرا یاد آنان که مظهر حق اند باعث یاد حق است. و این در عصر ما از طریق انسانهای کامل و علمای راستین که وارث انبیا و جانشین آنها هستند امکانپذیر است. در برهه کنونی به لطف خداوند مردی از تبار اولیا از برای مردم برانگیخته شد. ندای او ادامه راه انبیا و ائمه(ع) است؛ ندایی دلنشین که از قلب و عقل سلیمی نشأت گرفته و سرشار از عرفان، فقه و علوم الهی بود؛ این سالک کوی حق، سیاستمدار دیندار در هنگامه‌ای قیام کرد که بی‌عدالتی بی‌داد می‌کرد و روشنفکران و اندیشمندان دروغین بجای سامان بخشی و نجات و رهایی محرومین از ظلم و غارت در فرضیه‌ها و تئوریهای غیر قابل اجرا سر در گم بوده و یا حلقه به گوشی و مزدوری حاکمان زر و زور را می‌نمودند. هنگامی که آه و فغان توده‌ها بر ماورای افلاک طنین می‌انداخت و

عدالت و مساوات جای خود به نظام ارباب رعیتی داده بود و هر روز بر تعداد کاخهای سر به فلک کشیده افزوده می‌شد، اربابان دروغ و فریب، فرعونیان زمان و مدعیان «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» که با کوچکترین حرکت خداجویان، تفکر و حرکت آنان را در نطفه خفه می‌کردند، زندانها را از آزاداندیشان دیندار پر ساخته و سیاستهای دغل‌کارانه با رنگ و لعاب فرهنگ نو ظاهر ساختند. با این فریبکاری بود که جوانان بی‌گناه را به دام می‌کشاندند و ارزشهای والای انسانی و دینی را از آنان دور و به جای عفاف و پاکدامنی و آرامش روح، هرزگی و پوچی را برای آنان به ارمغان می‌آوردند. در این زمان حضرت امام خمینی (س) با رهبری مذهبی انفجار عظیمی را ایجاد کرد که در تاریخ نام دین و دینداری را تابناک ساخت و این مشیت الهی بود که بار دیگر قدرت معنویت و اعتقادات مذهبی متجلی گردد و چه با شکوه و فرح بخش بود احیای معنویت دینی و تکامل ارزشهای والای انسانی و برجسته شدن ظلم، بی‌عدالتی، هرزگی و برهنگی.

بی‌شک آرمان این بزرگمرد راهی نیست که در مقطعی خاص انجام پذیرفته و رها شود، تمامی سخنان والای ایشان که نشأت گرفته از علوم الهی است، راهی است برای ما و آیندگان تا از مسیر پر فراز و نشیب زندگی دنیوی - که پر از امتحانات مختلف است - بگذریم و در مسیر اصلی صراط مستقیم به سوی نور در حرکت باشیم.

ویژگیهای این مجموعه:

قبل از پرداختن به موضوع نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱- امام خمینی (س) در صدد تألیف و تصنیف کتابی در حوزه شناخت ادیان نبوده است و آنچه در این مجموعه گرد آمده بیشتر ارشادات و مطالبی است که ایشان به تناسب موضوع در مقاطع مختلف و مناسبتهای متعدد بدان

پرداخته‌اند و هر کجا رشته سخن ایجاب می‌کرده تذکراتی بیان فرموده‌اند.

۲- نقل قولهایی که به صورت پاورقی از اشخاص ذکر شده به معنای شرح، تفسیر مطالب و نکات غامض در مباحث امام نمی‌باشد بلکه صرفاً به دلیل قرابت یا تشابه موضوع، از منابع مختلف استخراج و برای آشنایی و اطلاع بیشتر خوانندگان در ذیل مباحث امام درج گردیده است؛ به عبارت دیگر دیدگاههای اشخاص ناظر بر کلام امام نبوده و هدف بررسی دیدگاه فرد خاصی نیست.

مباحث این کتاب شامل ۴ فصل است که به ترتیب: فصل اول: ادیان و مکاتب؛ فصل دوم: مکتب انبیا؛ فصل سوم: آزادی و حقوق ادیان در اسلام و ایران و فصل چهارم: امام از نگاه پیروان مکاتب می‌باشد که به معرفی هر فصل خواهیم پرداخت.

مرفی فصلها

فصل اول: ادیان و مکاتب

مباحث اصلی این فصل به قرار ذیل است:

- ۱- دین؛ ۲- مکاتب فکری (توحیدی و غیرتوحیدی)؛ ۳- معنای ادیان الهی
- هر یک از مباحث فوق به شاخه‌های ریزتری تقسیم شده که به صورت اجمال به معرفی هر یک می‌پردازیم.

مبحث اول: دین

این مبحث شامل تعریف دین، فواید دین است.

تعریف دین: از جمله تعاریفی که از دیدگاه امام برای دین آمده با عبارات و عناوینی چون: جزا و پاداش، قانون و روش زندگی، فطرت خدایی، تسلیم در پیشگاه حق و... می‌باشد. گر چه هر کدام از این تعاریف از زاویه‌ای به دین می‌نگرد، ولی آنچه مورد بحث ما است همان تعریف قانون و روش زندگی است

بدین منظور که دین قانونی است برای همهٔ انسانها و همهٔ جوامع و عمل به آن سعادت در دنیا را به دنبال دارد. این قانون علاوه بر آنکه چرخهای زندگی را می‌چرخاند، انسان را به تعالی و استکمال نیز می‌رساند. از تعریفی که از دین بدست می‌آید می‌توان نتیجه گرفت که گوهر دین با فطرت انسان آمیخته و سازگاری غیرقابل انکاری دارد. *فطرة الله التي فطر الناس عليها* (فطرت الهی که مردم را بر آن آفرید.)^۴ که فطرت الهی همان توحید است. و کل مولود علی یولد علی الفطره (هر مولودی با فطرت پاک به دنیا می‌آید)^۵؛ ثانیاً انسان برای چرخاندن زندگی فردی و اجتماعی تابع جهان بینی مکتبی است تا قانون خود را بر اساس آن تنظیم کند و این مهم محور اصلی بحث ما است؛ ثالثاً: روز قیامت به تعبیری روز دین است یعنی جهت که آثار حقیقی دین در آن ظاهر می‌شود. آنچه فرد بر اساس دینداری بدان دسترس یافته و بدان عمل کرده به عیان می‌بیند و پاداش آن را دریافت می‌کند.

فواید دین: به دنبال قانون و روش زندگی، اثرات دین در زندگی دنیوی نمایان می‌شود؛ در زندگی فردی در غالب: آرامش روحی، کنترل بشر، تبدیل زندگی پست به زندگی پرافتخار انسانی، تبدیل منزل حیوانی به منزل انسانی، تبدیل ظلمت به نور، تغییر زشتی به زیبایی، تبدیل نقص به کمال، تبدیل یأس و ناامیدی به رجا و امیدواری، تبدیل غم به شادی و خارج نمودن انسان از پوچی به همدفداری و هدفمندی و... البته فواید و برکات دین بسیار است و در اینجا به صورت گزیده به نمونه‌هایی اشاره شده است.

مبحث دوم: مکاتب فکری (توحیدی و غیر توحیدی)

این مبحث به معرفی ویژگیهای مکاتب توحیدی و غیر توحیدی می‌پردازد. نوع نگرش انسان به جهان هستی منشأ اعتقادات او می‌شود و به دنبال این

نگرش پیرو مکتبی خاص می‌گردد و مکاتب فکری به دو دسته توحیدی و غیر توحیدی تقسیم می‌شوند.

مکاتب توحیدی: مکتب توحید ره‌آورد انبیاست که مجهولات را برای انسان مشخص می‌کند در تمام امور وظیفه انسان را معین می‌سازد. از امتیازات این مکتب تربیت انسان و آزادی و سعادت بشر است. فقط در مکتب انبیاست که ماوراء طبیعت به صورت صحیح مطرح است؛ البته به این معنا نیست که انبیا به این عالم کار ندارند آنها مخالف با دنیا نیستند بلکه مخالف با دل بستن به دنیا هستند و این دو نباید با هم اشتباه شود.

در دیدگاه امام آنچه در این مکاتب دیده می‌شود اتصال به نظام توحیدی است. هر کس در هر جای که هست برای یک مقصد کار می‌کند، نظامی که همه مقصدشان یکی باشد، البته به این معنا نیست که هر ج و مرج باشد بلکه بالا و پایین نباشد. همه دنبال حکم خدا باشند. هر کس برای رضای خدا کار کند و ظلم نکند، این جامعه توحیدی است که انسجام آن به گونه‌ای است که همه یک موجود بشوند و این مقصد واحد، همان غایت مکتب توحید است و زیباترین مثال برای جامعه توحیدی بدن انسان است که چشم و گوش و دست و پا، همه اعضا فرمانبردار از مغز هستند و هیچکدام تخطی نمی‌کنند.

مکاتب غیر توحیدی: تمام سعی و تلاش و اندیشه این مکاتب در راستای طبیعت و نیازهای مادی انسان بوده‌گر چه به پیشرفتهایی نیز دست یافتند ولی محدود به طبیعت می‌باشند و توجهی به عالم غیر ماده و نورانیت ندارند چون منبعث از نظر و نگاه مادی است.

مبحث سوم: معرفی ادیان الهی

این مبحث شامل معرفی پیامبران اولوالعزم به ترتیب: حضرت نوح(ع)، حضرت

ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) است. البته در این مبحث به آیین زرتشت طبق اسناد و سیر تطور آن پرداخته شده است.

طبق نظر قرآن، ادیان الهی که منظور ادیان توحیدی است مختص پیامبران صاحب شریعت است. البته باید توجه شود که از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است و تفاوت شرایع آسمانی به علت مقتضیات زمان، محیط، ویژگیها و استعداد مردم آن زمان بوده است. طبق نظر قرآن خداوند از میان انسانها چهره‌های برجسته‌ای را برای رسالت برمی‌گزیند همچنان که می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ ذَرِيَّةً بَعْضُهُا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** (خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد: فرزندان آن بودند، برخی از سلاله‌های دیگر پدید آمده و خدا شنوا و داناست).^۸ پیامبران اولوالعزم رسالت خود را با شریعتی نوین متناسب با مقتضیات آن زمان برای مردم به ارمغان آوردند. حال با الهام به قرآن به معرفی ادیان توحیدی می‌پردازیم. لازم است توجه شود که معرفی رسالت هر پیامبر تشریح زاویه و سیره خاص آن حضرت در انجام رسالت خویش می‌باشد.

حضرت نوح (ع): به علت اینکه مطلبی از امام که با سیاق بحث هماهنگ باشد نیافتیم جهت معرفی به منابع دیگر استناد نمودیم.

از جمله موضوعاتی که درباره حضرت نوح (ع) بیان شده است، تشریح جایگاه والای او در پیشگاه باری تعالی و رابطه خدا با او و اینکه حضرت حق همه اسرار عالم را به وی آموخت. دیدگاه او نشانگر اخلاص او در توحید می‌باشد. او اولین پیامبری است که تفکر عقلی را به مردم آموخت و فرمود همه در برابر علوم و معارف الهی بایستاد و یادگیری علوم الهی در انحصار گروهی خاص نیست و اغنیا و فقرا در این امر حقوق مساوی دارند قوم حضرت نوح قومی سرکش و خشن بوده

و نه اهل منطق و استدلال از اینرو آن حضرت آزار فراوان دید و به جز عده معدودی کسی بدو ایمان نیاورد.

حضرت ابراهیم (ع): از جمله مسائلی که از دیدگاه امام خمینی (س) درباره حضرت ابراهیم بیان شده است روحیه مبارزه طلبی آن پیامبر که یک تنه در مقابل بت پرستان به قیام برخاست در حالی که به تبلیغ یکتاپرستی مشغول بود. گذراندن امتحانات سخت از جمله به داخل آتش رفتن و قربانی نمودن فرزند و نیز نائل شدن آن حضرت به مرتبه اطمینان می باشد.

زرتشت: از دیدگاه امام (س) قبول داشتن دو مبدأ برای عالم از معانی شرک بوده و مجوس اصلی یزدان را قدیم و اهریمن را حادث می دانند و این خود جای تأمل است.

درباره آیین زرتشت به علم دلائل متقن بر یکتاپرستی این آیین، ناگزیر به اسناد موجودی که فراهم شده بود استناد نمودیم.

حضرت موسی (ع): به تعبیر امام شبانی که بدلیل اساققت، همت، جدیت و تدبیرش خداوند او را مبعوث کرد و او بساط فرعون را به هم ریخت. در قرآن کریم فراوان از حضرت موسی (ع) یاد شده و از تولد آن بزرگوار تا بعثت و تعالیم او در این کتاب مقدس آمده است.

پیروان حضرت موسی (ع) پیرو دین یهود می باشند. لازم به ذکر است که در ادامه به این نکته اشاره شده است که حساب جامعه یهود از صهیونیسم جداست با اینکه صهیونیسم خود را نماینده جامعه یهود معرفی می کند ولی صهیونیسم یک پدیده سیاسی است.

حضرت عیسی (ع): پیامبری که از یک مادر باکره متولد شد از معجزات آن حضرت آنکه: در مهد سخن گفت، مردگان را به اذن الهی احیا کرد و برای بشر صلح و صفا و معنویت را به ارمغان آورد. باور امام این است که آنچه بشر را

سعادت‌مند می‌نماید معنویات است؛ لذا باید به سیره حضرت عیسی (ع) تأسی جویم. در قرآن نیز از حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم بسیار دفاع شده است. حضرت محمد (ص): از دیدگاه امام ولادت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام موجب خیرات و تحولات بود از آن جمله: آتشکده‌ها و بتکده‌ها خاموش شد؛ طاق کسری فرو ریخت و نکته مهم در اینجا شکست دوقوه روحانی آتش پرست و قوه حکومت جائر بوده است. پیامبر از طایفه قریش بود اما نه از ثروتمندان آن؛ انسانی که در عصر جاهلیت متولد شد، خواندن و نوشتن نمی‌دانست، اما دنیا را اینطور یافت که مطابق عقل حالا و آینده نیز باشد و این خود اعجاز بود. به تنهایی قیام کرد. دعوتش را از قوم خود شروع نمود. حضرت خدیجه اولین زن و حضرت علی (ع) اولین مردی بودند که به آن حضرت ایمان آوردند و به تدریج به ایمان آوردگان اضافه شد. سیزده سال پس از آن که دعوت نمود با تمام فشار و مسائلی که کفار برای آن حضرت پیش می‌آوردند. بعد از مدینه ماند. تشکیل حکومت داد و پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و نور توحید را بر همه ممالک اسلامی بگستراند. پیامبر با یک دست قرآن و با دست دیگر شمشیر برای سرکوبی بت پرستان همراه داشت. حضرت با جبرئیل تکلم می‌فرمود در حالی که در میان مردم بود و هیچ کس نه چیزی می‌شنید و نه می‌دید.

آنچه در معرفی پیامبران صاحب شریعت مدنظر بوده شامل بیوگرافی، سیره عملی، مبارزه و قیام، چگونگی مراحل رسالت، دریافت وحی و کتب آسمانی است و نیز عمده مطالب درباره آیین و پیروان فعلی آنها ارائه شده است. اسلام: بعد از معرفی پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی (ص) که دین اسلام را برای جهانیان به ارمغان آورد که به تعبیر امام، اسلام جامع ادیان و غایت مکتب توحید است به لحاظ ضرورت در طرح به ویژگیها و اهداف دین اسلام از دیدگاه امام می‌توان به موارد ذیل فهرستوار اشاره کرد:

جوابگویی اسلام به نیازمندیهای انسان؛ تعیین سیاست جامعه و حدود و میزان روابط فردی، اجتماعی، اقلیتهای مذهبی و تعیین قوانین و محورهای اقتصادی؛ تربیت انسان (به این معنا که اسلام می‌تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه فوق‌روحانیت تربیت کند)؛ اسلام مکتبی است که به انسان ارج نهاده و میزان برتری انسان را در تقوا و علم می‌داند و به قداست علم، عالمان، فراگیری علم و عمل به آن ارج می‌نهد؛ پرداختن به موضوعات مهمی همچون: تولد، ازدواج، معاشرت، حقوق، فرزندان و... رابطه انسان با خدا؛ قوانین اسلام برای همه اعصار و در هر زمانی قابل پیاده شدن است؛ نهضتی فراگیر که مخصوص طایفه‌ای خاص نیست لذا به این جهت خطاب «یا ایها الناس» آمده و دعوت پیامبر محدود و مخصوص به عربستان نبوده، بلکه مربوط به همه انسانها در همه اعصار است؛ توجه اسلام به تمام ابعاد انسانی، هم از ابعاد طبیعی، روحانی، مادی و معنوی است؛ اسلام دارای احکام حکومتی و راه و روش حکومتداری بر پایه عدالت است؛ ارائه نگرش توحیدی برای دستیابی به حقایق عالم؛ پایبندی به اخلاق و ارزشهای انسانی؛ ویژگیهای خاص دین اسلام تنها به نحوه زندگی، رسیدن به مقام انسانیت، انسانسازی و ترتیب انسان است.

قرآن: طبق سیر معرفی کتابهای آسمانی و اینکه برنامه اسلام در قرآن آمده به معرفی این کتاب مقدس می‌پردازیم، محور مباحث کلی است و وارد جزئیات نشده؛ زیرا هر کدام از موضوعات جای بحث و تحقیق فراوان دارد که خارج از این مقال است. از جمله عناوین مطرح شده عبارتند از:

موضوعات کلی در قرآن، مادیت، معنویت، نیازهای انسان، رابطه خالق و مخلوق، توحید، صفات باری تعالی، قیامت، مسائل سیاسی اجتماعی، جنگ با کفار، قوانین و سنن الهی و...

خصوصیات قرآن: مراحل نزول قرآن، شرایط تاریخی و جغرافیای نزول آن

ویژگیهای قرآن: مصونیت قرآن از تحریف، مبدأ معارف و تمام علوم، هدف قرآن، روش فهم قرآن، هدف از قصه‌های قرآنی (اشاره به داستانهای انبیا از جمله حضرت نوح (ع) حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و پیامبر (ص) برای تاریخ‌گویی نیست بلکه عبرت و تأسی به سیره آن بزرگواران می‌باشد).

قرآن شفا است برای امراض روحی و جسمی همچنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ زَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ، فانه شفا الصدور (قرآن را فراگیرید که بهار دلهاست و از نور آن شفا بجوید که شفای سینه‌هاست)^۹.

فصل دوم: مکتب انبیا

این فصل شامل ۲ مبحث بعثت انبیا و اهداف آن است که این دو مبحث به شاخه‌های دیگری تقسیم شده که به اجمال به معرفی هر یک می‌پردازیم.

مبحث اول: بعثت انبیا

موضوعات مطرح شده عبارتند از:

۱- اهمیت و ضرورت بعثت؛ ۲- عصمت؛ ۳- دعوت؛ ۴- تعالیم؛ ۵- وحدت.

اهمیت و ضرورت بعثت: این موضوع شامل عناوینی است چون:

شرط پیامبری؛ سبقت رحمت حق تعالی؛ هدف کتابهای آسمانی؛ انگیزه بعثت؛ هدف بعثت؛ شغل انبیا و...

به دنبال بحث فصل اول و ویژگیهای مکاتب توحیدی تجزیه و تحلیل این مکاتب ضرورت داشت. مکتب انبیا همان مکتب توحید است که انبیا با عملکرد خود مکتب توحید را اشاعه می‌دادند در اینجا به چگونگی شکل‌گیری و اهداف آن می‌پردازیم.

بعثت انبیا و اینکه چگونه فردی به مقام شامخ پیامبری می‌رسد اولین موضوع مطروحه است. از دیدگاه امام خمینی خداوند برای بیان شریعت و احکام، انسانی را از میان مردم انتخاب می‌کند ارتباط خداوند با پیامبر با واسطه ملائکه، یا شی‌ای و یا بدون واسطه انجام می‌پذیرد. این بعثت مولود رحمت باری تعالی است زیرا انسانها با اسم رحمان و رحیم موجود شدند بنابراین رحمت خداوند اقتضا می‌کند که در دنیا و آخرت شرایط سعادت بندگان خود را فراهم آورد. در ادعیه می‌خوانیم که **يَا مَنْ سَقَمَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ**^{۱۰} مگر اینکه بندگان قدر رحمت را ندانند و ناسپاس باشند که آنگاه در ب رحمت نیمه‌بسته و در ب غضب باز می‌شود.

خداوند پیامبران کتابهای آسمانی را برای کمک به فطرت الهی - فطرتی که در نهاد بشر قرار داده فرستاد تا انسان بتواند با استمداد از این سه فرستاده، حجابها را کنار زده و به هدایت برسد **لَقَدْ آتَيْنَا الْإِنْسَانَ كَرِيمًا**^{۱۱}. بنابراین پیامبران برای تکامل اخلاقی و فضایل و دور ساختن از رذایل انسان را آفریدند و انگیزه بعثت انبیا تزکیه نفس آدمی است همان گونه که پیامبر می‌فرماید: **بَعَثْتُكُمْ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ** (برانگیخته شدم تا منشهای نیک را کامل گردانم.^{۱۲}) نفس انسانی اگر تزکیه نشود سر به عصیان بر می‌دارد و تباهی خود را فراهم می‌سازد همان طوری که فرعون اینچنین کرد و فریاد **«أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»**^{۱۳} سر داد...

اگر نیاز انسان محدود به عالم طبیعت می‌شد، آمدن انبیا لزومی نداشت و زندگی انسان مانند حیوانات گذران می‌کرد؛ در صورتی که انسان مافوق حیوانات و نیازمند تربیت روحی و عقلی و جسمی است البته باید دانست نیاز انسان به تربیت یک طرفه است و خداوند هیچ‌گونه نیازی به تربیت ما ندارد و سود و زیانی به او نمی‌رسد. فقط باعث به سعادت رسیدن و یا شقاوت خود انسان می‌شود. به تعبیر امام خمینی عالم مدرسه است و مدرسین آن انبیا و اولیاء الله هستند و

مربی این معلمین خداوند تبارک و تعالی است.

از اینرو هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَانْكَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.^۴ (اوست خدایی که میان عرب امی (که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند) پیامبری بزرگوار از میان همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند آنها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد که پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بود)

شغل پیامبران معلمی است و این مسأله از ابتدای خلقت محرز بوده است آنجا که اشاره می شود به اینکه خداوند چگونه اسما را به آدم آموخت (در سوره بقره). خداوند مربی بشر و به این ترتیب پیامبران شغل شریف انسانسازی و معلمی را بر عهده داشتند و تمام انسانها دانشجو که هر کدام وظیفه خاص خود را دادند تکلیف در این مقام برای معلم تعلیم به سوی خدا و برای دانشجو تعلّم و یادگیری و عمل بدان است.

عصمت انبیا: از جمله ویژگیهای مختص به انبیا عصمت است، عصمت یعنی دوری از گناه و اشتباه و لغزش و به تعبیر امام عصمت ایمان کامل است. پیامبران به آن درجه از ایمان می رسند که خداوند را با چشم قلب می بینند و به حضور باری تعالی در جهان هستی ایمان راسخ دارند.

در چنین دیدی نکته بسیار ظریف و دقیقی نهفته است و آن اینکه ماصحبت این معنا را می کنیم و پیامبران با تمام این معنا فهمیده اند. قابل توجه است که در عصمت انبیا کسی آنان را مجبور به عدم گناه نمی کند و این حقیقت عصمت است، البته همه آحاد بشر حتی انبیا نیز امتحان می شوند و این امتحان وعده خداوند است که همه انسانها رها نیستند و آزمایش می شوند انبیا با داشتن عصمت از لحاظ روحی به مقاماتی می رسند که خداوند به آنان وحی می کند.

وحی به اشکال مختلفی نازل شده است مثلاً یا از طریق درخت دریافت می‌شده، یا در خواب و یا توسط جبرئیل امین و... که خود بحثی خارج از این گفتار است.

دعوت انبیا: در ابتدای دعوت از فرد شروع شد و به تدریج به صورت گروه در می‌آمد مثلاً حضرت موسی (ع) یک نفر بود که پیاخاست و بعد برادرش هارون به وی پیوست و همچنین پیامبر اکرم (ص) یک نفر بود و بعد یک زن (حضرت خدیجه) و یک بچه (حضرت علی(ع)) به او ایمان آوردند. پیامبر در پنهانی و خفا دعوت می‌نمود در محیطی خفقان که بت پرستی حکمفرما بود. تمامی پیامبران در شرایطی سخت و آزار دهنده رسالت خود را به انجام رسانیدند.

پیامبران الهی در دعوت خود سراغ دل و جان مردم می‌رفتند زبان دعوت آنها زبان فلسفه و برهان بود است که صدالبته سخنی کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند و این راه فتح قلوب است و اینها تربیت شدگان مکتب انبیا مؤمنان دل باخته‌اند.

روش پیامبران در دعوت به صراط مستقیم همراه با رفقا و مدارا بوده حتی زمانی که حضرت موسی (ع) همراه هارون نزد فرعون می‌روند خداوند می‌فرماید: إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ^{۱۵} بروید به رسالت به سوی فرعون که او سخت به راه کفر و طغیان شتافته است و با او باکمال آرامی و نرمی سخن گوید باشد که از این خواب غفلت و غرور بیدار و متذکر شود یا از خدا بترسد.

علی‌رغم تمام تلاشهای پیامبران آنها کم موفق شدند و به جز تعداد معدودی مابقی افراد ایمان نیاوردند و این عدم پذیرش به علت غلبه هواهای نفسانی انسانها بر دعوت پیامبران بود.

تعالیم انبیا: در این مبحث بخشهای گوناگون به صورت گزینه‌ای جهت آشنایی

بیشتر انتخاب و معرفی می‌شود.

انسان موجودی است ناشناخته با ابعاد گوناگون که از دو طرف سیر و صعود به سوی مافوق طبیعت و نزول در مادیت و پایین‌ترین درجات انسانی حرکتی نامتناهی دارد، و این موجود عجیب محققاً نیازمند آموختن تعالیم حقیقی است؛ تعالیمی غیر از مسائل طبیعی که بشر باید از طریق مقامی بالاتر که مأمور راهنمایی اوست آن را بیاموزد.

در تعالیم انبیا معیار سنجش برتری انسانها به علم و تقواست؛ زیرا علم به تنهایی برای طبیعت است و تقوا نیز بدون علم انسان را به کمال نمی‌رساند. پس علم و تقوا توأماً برای تعالی انسان ضروری است و ارزش انسان به ثروت او نیست از این جهت اگر چنین بود انسان نیز بدان توجه ویژه نموده و در جهت کسب و بدست آوردن آن سعی و تلاش مخصوص می‌نمودند.

پیامبران خود را خدمتگزار مردم می‌دانستند و قصد ارشاد داشتند نه اینکه بر مردم حکومت کنند. حکومتداری آنان اگر ممکن می‌بود در جهت خدمت به مردم بود و آنان در راه هدف بسیار تلاش می‌کردند و مایوس و دلسرده نمی‌شدند. آنها به دنبال به فعلیت درآوردن آن فطرت الهی بودند که آن را پرورش داده و انسان را از عالم طبیعت به مافوق آن برسانند و دعوت به نماز، روزه، حج و... برای رسیدن به همین کمال بود. انبیا همزمان با دعوت مردم به رشد و تعالی فکری برای خود و نیز در پی تعالی و پیشرفت بودند. همان طوری که حضرت موسی (ع) از حضرت خضر درخواست آموختن نمود و حضرت ابراهیم خلیل از خداوند رؤیت زنده شدن مردگان را درخواست نمود تا علمش به یقین تبدیل شود. منطبق انبیا اینگونه بود که بر کفار سخت می‌گرفتند و در بین مؤمنین با عطف و رفتار می‌کردند. اشداء علی الکفار و رحماء بینهم^{۱۶}

مسائل عرفانی را طوری بیان می‌کردند که هر فرد بهره‌ای از آن ببرد؛ ولی

با اینهمه نمی‌توانستند هر آنچه که یافته باز گویند؛ زیرا که آن یک معرفت بود و معرفت گفتنی نبود. برای آنها حجابهای طبیعت کنار رفته و حقایق عیان شده بود از طرف خداوند برای انجام مأموریت، قدرتی ویژه و مافوق قدرت و طاقت بشری عطا گردیده بود. البته لازم به ذکر است اگر موسی کلیم(ع) عصای خود را ازدها می‌کرد و عیسی مسیح(ع) کور مادرزاد و برص را شفا و مردگان را زنده می‌کرد و پیامبر اکرم(ص) ماه را به دو نیم می‌کرد و دیگر پیامبران به شکلهای دیگر، همه اینها به اذن خدا بود و برای اثبات و تکمیل رسالت پیامبری.

پیامبران الهی به این مسأله واقف بودند که هر چه قدر هم تسبیح و حمد پروردگار را بجای آورند باز نمی‌توانند آنگونه که شایسته خداوند است سپاس گویند. ماعرفناک حق معبود و ماعبدناک حق عبادتک (تورا آنگونه که شاید نشناختیم و آنگونه که باید عبادت کنیم) در سیره انبیا کنج عزلت نشستن و کناره‌گیری از مردم مشاهده نمی‌شود با اینکه در این مقام معنوی رسیده بودند. از اینرو اهل سلوک نباید از مردم کناره بگیرند و به نیاز و نیاز پیردازند و باید در این شیوه به انبیا اقتدا کرد.

در تاریخ انبیا، قیام آنان مشهود است. قیام اول به صورت فردی و سپس گروهی درآمد.

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ^{۱۷}؛ (بگو، همانا شما را به یک چیز پند می‌دهم که برای خدا دوتا دوتا و یکی یکی به پاخیزید) در قیام انبیا شکستی نیست زیرا این قیام برای اطاعت از اوامر خداوند صورت پذیرفته و همین اطاعت بود که حضرت ابراهیم(ع) را بر بت پرستان، حضرت موسی(ع) را بر فرعون و حضرت محمد(ص) را بر جهالت پیروز گردانید. هدف از جنگهای انبیا کشورگشایی و فتح سرزمینها نبود بلکه برای برپایی نظامی عادلانه بود که

در آن احکام خداوند جاری شود؛ زیرا در غیر اینصورت و به محض رها شدن انسان، خوردن و خوابیدن و شهرت و مسائل طبیعی مسیر انسان می‌شد و پیامبران بر آن بودند که چنین نشود: **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ**^{۱۸}. (خدا یار اهل ایمان است. آنان را از تاریکیهای جهان بیرون آورد و به عالم نور برد، و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان طاغوت است. آنها را از عالم نور به تاریکیهای گمراهی درافکند).

اساس قیامی که پیامبران جملگی داشتند بر علیه سلاطین و قدرتمندان آن برهه از زمان بوده است و یاری دهندگان انبیا عموماً از طبقه مستضعف جامعه بوده‌اند و این حقی است که مستضعفان بر تمامی ادیان دارند و این مطلب درست برعکس آن تبلیغاتی است که پیامبران را قدرتمندان آورده‌اند. (این بحث در فصل سوم با عنوان «معارضه و مخالفت با دین الهی» بیان شده است) در رأس تعالیم پیامبران دخالت در امور سیاسی اسلام را برپایی و استقرار حکومت مستلزم دخالت در سیاست است و بدون آن غیر ممکن. هدف از طرح تفکر جدایی دین از سیاست، جدا ساختن عالمان دینی و سیاسیون از دین است تا دین را متزلزل سازند و معنای جدایی دین از سیاست همان تز دین افیون جامعه است. به تعبیر امام خمینی دیانت همان سیاستی است که مردم را به سوی اصلاح و صراط مستقیم سوق می‌دهد و سیاست حرفه اصلی پیامبران و ائمه و سیاستمداران دینی و اسلامی است و این حق آنان است که در امور سیاسی مداخله کنند.

وحدت انبیا: اگر تمامی پیامبران الهی در یک برهه از زمان و در یک مکان جمع شوند هیچ اختلافی مابین آنها نیست، چون جملگی برای اطاعت از اوامر خداوند کار می‌کنند، و نزاعی ندارند. مایه تفرقه به این علت است که هر فردی بخواهد

برای خودش حرکت کند و از دیگری سبقت بگیرد.

مبحث دوم: اهداف انبیا

این مبحث شامل سه موضوع توحید، انسان‌سازی و عدالت است

توحید: شامل موضوعات نشر توحید، شناخت خدا و خداشناسی، معرفی ذات حق، آرمان وحی، آشنایی با مبدأ وحی و... است.

نشر و بسط توحید از اهداف اصلی پیامبران است زیرا دریافت نور الهی در گرو شناخت حق تعالی است. تمام مقصود از استقرار حکومت اسلامی و بیان شریعت احکام و آمدن کتابهای آسمانی برای نشر دین و همان توحید می‌باشد. همچنین هدف از دعوتهای پیامبران که بر اساس فطرت پاک انسانی برای شناخت و معرفی حق تعالی با همه پیامبرانی او پایه‌ریزی شده است. و نشر توحید مأموریتی برای پیامبران بود که می‌بایست به هر گونه که امکانپذیر بود به مردم تفهیم می‌نمودند.

انسان‌سازی: هر علمی دارای موضوعی است و برای آن موضوع طرح و برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌ریزی انبیا برای انسان بوده و تمام بحثها به انسان برمی‌گردد. تمامی قوانین و دستورالعملها و خط‌مشی‌ها و کنترل قواهای انسان و تعلیم به انسان برای به سعادت رسیدن او در دنیا و آخرت باز می‌گردد.

تعلیم انسان باید توسعه و پرورش یابد تا انسان با فضایل اخلاقی مأنوس شود در غیراینصورت اگر تمامی تخصصها و فنون را دارا باشد ولی متدین نباشد به تربیت الهی نمی‌رسد و به تعبیر امام خائن می‌شود. این تربیت و اصلاح بسیار ضروری است زیرا اصلاح انسان برابر با اصلاح تمام عالم است و فسادش فساد همه عالم؛ تمامی تلاش و هم‌انبیا برای به ثمر رسیدن این هدف بوده است. در اینجا باید متذکر شد که انسان موجودی ناشناخته است بجز برای خداوند و

کسانی که علم را از خدا گرفته‌اند شناخته شده نیست. پیامبران برای اصلاح انسان تلاش می‌نمودند که توجه انسان را از عالم ماده به عالم الهیت و مبدأ نور معطوف دارند و از خودخواهی به خداخواهی سیر دهند و برای چنین منظوری می‌بایست انسان دید الهی پیدا کند و همه عالم را مظهر پروردگار ببیند، به مردم عشق بورزد چون آنان بندگان خدایند و...
عدالت: برپایی و اجرای عدل از اهداف انبیا بوده و برای به بار نشستن آن بسیار سعی می‌نمودند لیکن این مهم به تمام معنایی که آن بزرگواران می‌خواستند انجام نشد از اینرو پیروان مکتب انبیا همواره باید برای برپایی عدل و داد که از تکالیف الهی است بکوشند.

فصل سوم: آزادی و حقوق دین در اسلام و ایران

در این بخش به موضوعات مفهوم آزادی در اسلام، حدود آزادی، حکومت در اسلام، سیره حکومتی ائمه (ع)، حقوق دین در جمهوری اسلامی ایران، معارضه و مخالفت با دین و تحریفها در مذاهب آسمانی پرداخته می‌شود.
مفهوم آزادی: از دیدگاه امام براساس اعتقادات همه مسلمانان مالک و قادر بر همه چیز فقط خداوند است که از همه حقایق مطلع باشد. بنابراین اصل مهم انسان فقط باید تابع و تسلیم امور خداوند باشد. بالطبع کسانی هستند که اوامر الهی را نشر می‌دهند و اطاعت از آنها، اطاعت از خداوند را به دنبال دارند.
أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^{۱۹} از اینرو اصل آزادی بشر مشخص می‌گردد این آزادی برپایه فطرت الهی پایه‌ریزی شده است.

آزادی ارزشمندترین نعمتی است که خداوند به بشر ارزانی داشته است و در اسلام ارزش انسان به استقلال اوست، البته در چارچوب قانون. بهره‌گیری از این نعمت یک آزمایش برای انسان است که چگونه بکار می‌گیرد آیا شاکر است یا

کفران می‌ورزد و آزادی را وسیله‌ای برای امیال زشت قرار می‌دهد در عین حالی که خداوند آزادی را عطا فرموده، هم او می‌تواند باز پس گیرد.

آزادی در اسلام: طبق احکام و شریعت اسلام، انسان آزاد آفریده شده و در نوع مسکن و خوردن و نوشیدن آزاد است. اسلام خلاف آزادی نمی‌گوید و هر آنچه که معین می‌کند به نفع مصالح مؤمنین است.

اسلام سرچشمه آزادگی‌هاست و به گواهی تاریخ هر سرزمینی که به نام اسلام فتح شده مردم آن اسلام را با آغوش باز پذیرفتند و به حکومت قبلی پشت نمودند. اسلام نه تنها آزادی را از کسی نمی‌گیرد بلکه اجازه سلطه‌طلبی را به کسی نمی‌دهد. البته باید متذکر شد که آزادی باید در حدود قانون اسلام و به دور از توطئه باشد و در این قانون مردم عقیده‌شان آزاد است هیچ فردی نمی‌تواند بگوید که شما باید الزامات من را داشته باشی. لیکن نباید آزادی منجر به شورش و ظلم شود که در آن صورت کسی متنبه خواهد شد و باید اذعان داشت که دین اسلام بیشتر از تمامی ادیان به آزادی بها داده است.

حدود آزادی: قانون اساسی که منبعث از قانون اسلام است همان در حفاظت از جان و مال و عرض خویش آزادی داده است اما این مسأله به آن معنا نیست که هر فردی هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد و از آزادی بشر سوء استفاده نماید و به نام قانون، قانون شکنی کند پس بر همه انسانها لازم است که قوانین شریعت را محترم بشمارند و عمل کنند. از اینرو آزادی حدودی دارد که در آن کارهای خلاف عفت و آزار و اذیت رانه تنها ارج و بها نمی‌دهد بلکه به شدت نهی نموده و با شخص خاطی برخورد می‌نماید. این حدود به مقداری است که از طرف پروردگار بر انسان مکلف شده و اگر گفته می‌شود آزادی بر پایه قانون منظور از قانون، قانونی است که از طرف خداوند و رسولش آمده و آن قوانین دقیقاً برای حفظ حقوق بشر است و اگر جلوی جنایات و مفساد اجتماعی گرفته نشود جامعه

به ورطه تباهی و نیستی سقوط کرده از انسانیت چیزی باقی نمی ماند.

حکومت در اسلام: معنای حکومت در حکومت اسلامی یعنی اینکه حاکمیت مطلق از آن پروردگار است و قانون و حکم مال اوست و هر آنچه پیامبر می فرماید فرمانی از جانب خداوند است. از اینرو اطاعت پیامبر (ص) اطاعت از خداوند است **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**^{۲۰} در حکومت اسلام حقوق بشر به معنای واقعی خود ملاحظه شد به آن صورت که بالاترین شخص در مملکت با پایین ترین فرد مساوی است، هیچ نژادی بر دیگران برتری ندارد و هدف این حکومت الهی کردن انسان است در حکومت اسلام ظالم و مظلوم هر دو مذمت شده و سر لوحه برنامه تمام انبیا همین بوده است.

با استعانت از اصل استقامت و توکل، خالق همه عالم یکی است و همه مخلوق اویند و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد و هر گونه عملی که مغایر با احکام خدا باشد، مطرود و با آن مبارزه خواهد شد به این طریق جلوی امتیازات بی اساس گرفته می شود. از این رو در جامعه ای که بر مبنای حکومت اسلام حکومتداری می شود همه افراد آن عدالت و مساوات را باید رعایت کنند چون اسلام خدایش عادل است؛ پیامبر و امامش معصوم و عادلند؛ قاضی، فقیه، امام جماعت و زمامدارانش باید عادل باشند.

سیره حکومتی ائمه: اگر نظری به حکومتداری پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) بیفکنیم، خواهیم دید که چگونه پیامبر (ص) در مسجد، آن هم مسجدی با یک حصیر با اصحابشان جمع می شدند. اگر فردی از بیرون وارد می شد و پیامبر را از قبل ندیده بود و قدرت تشخیص اینکه کدامیک از این افراد حضرت محمد (ص) است را نداشت، نمی توانست تشخیص بدهد. یا حضرت علی (ع) با اینکه وسعت حکومتش بسیار بود، حکومتداری ایشان بسیار جالب توجه است، کسی که اموالش را با مردم تقسیم می نمود، ناشناس به فقرا و یتیمان رسیدگی می نمود،

در حالی که خود و حضرت زهرا(س) از یک زیرانداز استفاده می‌کرد که هم برای استراحت شبشان بود و هم برای علوفه شترش و کسی که در سفره‌اش یا نمک بود و یا شیر و از بودن دو نوع غذا (نمک و شیر) امتناع می‌ورزید. زمامداری که کلنگ برمی‌داشت و کار می‌کرد. اگر ادعایی علیه ایشان مطرح می‌شد، در محکمه حاضر می‌شد و حکم قاضی را می‌پذیرفت. زمانی که یک خلخال از پای زن یهودی ربودند فرمود: اگر انسان بمیرد برای این چیزی نیست.

حقوق ادیان در جمهوری اسلامی ایران: جمهوری اسلامی ایران بنا بر دستور اسلام عمل کرده و تمام سعی خود را معطوف بر این داشته که از حقوق اقلیتها دفاع نماید و در قانون این حقوق لحاظ شده است، اقلیت‌های دینی در انجام فرائض دینی خود در فعالتهای سیاسی - اجتماعی داشتن وکیل در مجلس - حق رأی - آزادی انتخاب و ... را دارند زیرا در اسلام هیچ فرقی بین یک گروه با گروه دیگر نیست. رفتار با دیگران با احترام آمیز بوده و این احترام باید متقابل باشد زیرا برای سعادت و پیشرفت بشر همین است.

در قوانین اسلام برای تشکیل حکومت و برقراری امنیت و نظم مخارجی لازم است که در بحث احکام مالی اسلام بیان شده و یکی از راههای آن مالیات است و یکی از نوع مالیاتها، مالیات بر اهل ذمه است البته بر حسب توانایی و درآمدشان که این مبحث در پاورقیها شرح و بیان شده است.

معارضه و مخالفت با دین: چگونگی علل و طرح تضعیف مذهب از دیدگاه امام مقله‌ای است قابل بحث و بررسی و برای ریشه‌یابی باید به زمان دورتری برگردیم. استعمارگران برای به غارت بردن هر آنچه که ممالک علی‌الخصوص ممالک شرق دارند، مطالعه‌ای عمقی انجام داده‌اند و کارشناسهای آنها در این تفحص از روحیات افراد گرفته تا آداب و سنن و محیط جغرافیایی را به زیر تحقیق بردند و به این نتیجه رسیدند، تنها عاملی که اگر بین مردم باشد جلوی

چپاول اینها را می‌گیرد، مذهب است؛ لذا در صدد تضعیف مذهب برآمدند تا با این کار مذهب را در نظر مردم و روشنفکران کم‌رنگ جلوه دهند و آنان نیز ثروت ملت‌ها را به غارت ببرند؛ پس مطرح کردند که ادیان و قشرهای دینی و علی‌الخصوص اسلام برای این آمده‌اند تا مردم را خواب کنند تا اشخاص مقتدر و سلاطین مردم را چپاول کنند و ثروت و سرمایه آنان را به یغما برند. استعمارگران گفتند: دین ساخته و پرداخته قدرتمندان است تا با وعدهٔ بهشت توده مردم را بفریبند؛ پس دین افیون جوامع است.

حضرت امام بر این باورند که اگر با نگرشی منصفانه به تاریخ انبیا بنگریم از حضرت موسی گرفته - که شبانی بود و برای حضرت شعیب شبانی می‌کرد، برای بیداری توده مردم علیه دشمنان که قدرتمندترین و ثروتمندترین فرد آن زمان بود قیام نمود تا مانع از استعمار و استثمار اقتصادی و اقتصادی مردم شود، تا پیامبر گرامی اسلام که مقابل قدرتمندان قریش و جاهل و مدافع حقوق فقرا و ضعفا بود. و همراهان او همان اصحاب صفا بودند؛ آنهایی که مال و دارایی نداشته و روی سکویی می‌خوابیدند و تمام انبیا قیامشان همیشه حمایت از توده‌ها و بر ضد مستکبران و قدرتمندها بوده است. تعلیمات انبیا باعث بیداری مردم بوده و این عکس آن شایعات و اکاذیبی است که استعمارگران مطرح کرده‌اند در نتیجه مذهب خواهان اجرای عدالت در جهان و رهایی انسان از قیود مادی است و اگر غیر از این باشد آن مذهب واقعی نیست.

تحریفها در مذاهب آسمانی: تحریفهایی که در مذاهب به تدریج پدید آمده و آنها را از مقصد اصلی دور ساخته، بحثی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در دیدگاه امام خمینی علت گرفتاریهای بشر عدم تحقق کامل و جامع تعالیم انبیا در ادیان است و این به دلیل تحریفهایی است که وارد مذاهب شده اگر دقیق بنگریم خواهیم دید که آن تحریفات با سیره عملی انبیا سازگاری ندارند. مثلاً

چگونه ممکن است پیامبری که خلقتش معجزه بوده و سیره‌اش مبارزه، توصیه به خلاف آن کند. مشکل اصلی این است که برخی از پیروان، پیروان ادعایی هستند در صورتی که باید به تعالیم انبیا عمل کنند.

در انتهای بحث حضرت امام از روحانیون ادیان دعوت می‌کنند که آنها برای زدودن تحریفات طبق سیره انبیا عمل کنند.

فصل چهارم: امام از نگاه پیروان مکاتب

تا کنون آنچه در فصول قبل گذشت دیدگاههای حضرت امام بود ولی این فصل دیدگاههای دیگران در ارتباط با امام است از این جهت که مناسب دیدیم بازتاب عملکرد و اندیشه حضرت امام را در عصر کنونی در اندیشه غیرایرانیان ببینیم و از دریای اندیشه‌های احسانات و عواطف نسبت به امام نکاتی را در این فصل گردآوریم.

این فصل شامل موضوعات ذیل است:

اشعار؛ خاطرات و نکته‌ها؛ نامه‌ها؛ دیدگاهها (رسانه‌ها، اشعار و بازتاب رحلت) موضوعات فوق از میان هزاران هزار مطلب به فراخور زمان بررسی و انتخاب شده و از جهت صدور به دو زمان برمی‌گردد: حیات و رحلت.

از جمله نکات مطرح شده در باره حضرت امام شامل: زندگی مذهبی و فردی امام، ارتباط ایشان با مردم و خانواده، ساده‌زیستی، مصمم بودن ایشان در حوادث، قدرت رهبری و فرماندهی، بینش و تفکرات امام شخصیت کاریزماتیک امام و... است؛ همچنین نمونه‌هایی از اصل نسخه نامه‌های ارسالی در انتهای فهارس آمده است.

خاطرات از ملاقات با حضرت امام و تأثیر پذیری از ایشان، درد دل کردن مردم از اقصی نقاط دنیا و مشورت گرفتن از امام، بازتاب عملکرد امام و

رسانه‌های خارجی و بازتاب رحلت امام در دنیا از جمله مطالبی است که به صورت اجمال مطرح شده است که هر کدام از این مباحث جای بحث و بررسی فراوانی دارد.

روش تدوین و آماده‌سازی کتاب

به واسطه علاقه شخصی‌ای که به مبحث دین و دینداری و سیره انبیا و وجوه مشترک ادیان توحیدی و حقوق و ضوابط ادیان در جامعه اسلامی داشتم و به دلیل عشق به اندیشه‌های والای امام خمینی و شخصیت وجودی ایشان که حقیر ساخت محنتی خود ساخته، همواره این تصور را در ذهن می‌پروراندم که چگونه با بهره‌وری از اندیشه یک عالم ربانی مباحث مورد علاقه‌ام را بیابم، از اینرو برای دستیابی به یک سری اطلاعات مدون به تفحص پرداختم اما آنچه یافتم اطلاعات بسیار اندکی بود که نه تنها روحی مرا برآورده نمی‌ساخت بلکه نمایانگر خلأ اطلاعاتی در زمینه چنین مباحثی بود. بنابراین با توکل بر خدا تصمیم به گردآوری اجمالی مطالبی در این باره گرفتم. تدوین این کتاب مراحل را پشت سر گذاشته است که به صورت مختصر به عرض خواهم رساند. از جمله:

- ۱- بعد از تصمیم قاطع در این موضوع به ناچار باید به دنبال راه حلی می‌گشتم که در این مسیر تا حد امکان از روشهای علمی بهره‌جسته و تجربیات مورد نیاز را در زمان مناسب کسب نمایم. با توجه به اینکه دانشجوی الهیات بودم و امکان استفاده از تجربیات ارزشمند اساتید گرانقدر برایم میسر بود قبل از انتخاب واحد ترم به معاون محترم پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی پیشنهاد دادم که بواسطه هماهنگی ایشان با استاد درس روش تحقیق، موضوع پیشنهادی اینجانب به جای موضوعی که استاد تعیین می‌فرمودند انتخاب و جایگزین شود که به حمدالله تعالی و با مساعدت و تأیید معاون محترم پژوهشی

و استاد مربوطه طرح پذیرفته شد و اولین اقدام عملی جهت گردآوری انجام پذیرفت؛ ۲- دومین مرحله عملی در این زمینه ارتباط برای کسب اطلاعات لازم با معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) بود. به دنبال این ارتباط، چگونگی اطلاعات و بهره‌برداری از تألیفات امام از جمله: صحیفه امام (۲۲ جلدی)، چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ولایت فقیه، آداب الصلوة و ... آغاز شد؛

۳- در این مرحله که همزمان با درس استاد و دیگر اساتید دانشکده و راهنماییهای مؤسسه صورت می‌گرفت فیش برداری از دو سری اطلاعات آغاز شد. اول اینکه اندیشه‌های امام فیش برداری می‌شد دوم اینکه از کتابهای دیگر برای پاورقیها بهره برداری می‌شد که برای این منظور با قسمتهای مختلف مؤسسه از جمله کتابخانه، امور بین الملل و ... مراجعه نمودم و با وجود مشکلات متعدد کار را پشت سر گذاشتم. کار در این مرحله تنظیم و تبویب فصول آغاز شد و تدوین بنای ساختار اولیه کتاب به صورت الگوی اولیه شکل گرفت و برای بررسی و کسب نظر اساتید رشته‌های: ادیان و عرفان، فقه و اصول، تفسیر و حدیث، فلسفه و کلام در دانشکده ارسال گردید و بدین ترتیب فهرست موضوعی اصلی به تأیید رسید.

۵- دسته‌بندی کلیه فیشها و گزینش مجدد جهت گزیده‌گویی و حذف فیشهای تکراری با دادن ارجاعات برای اجتناب از موارد تکراری مرحله دیگری از کار بود که طبق روش توافق شده انجام پذیرفت؛

۶- کنترل نهایی و هماهنگی با مدیریت محترم گروه معارف مؤسسه و اعلام نظر ایشان برای هر کدام از فصول و انجام اصلاحات مورد نیاز و همزمان مشورت و راهنمایی با افراد صاحب نظر آخرین مرحله تدوین کار بوده است.

تشکر و قدردانی: به مصداق من لم يشكر المخلوق يشكر الخالق بر خود فرض می‌دانم تا از تمامی اساتید و مسئولان محترمی که در مراکز مختلف کار اینجانب را مدد رسانده و در این پژوهش همکاری و مساعدت نمودند تشکر نمایم:

ریاست محترم دانشکده الهیات و معارف اسلامی واحد تهران شمال مرحوم آیت‌الله مهدی حائری تهرانی که امکان بهره‌وری از مباحث علوم دینی را فراهم ساختند خداوند روح ایشان را قرین رحمت خود نماید؛ از تمامی اساتیدی که در دانشکده الهیات و معارف اسلامی همفکری و راهنمایی می‌نمودند صمیمانه تشکر نموده و موفقیت و سربلندی را برایشان آرزو مندم.

و با تقدیر و تشکر فراوان از مسئولین محترم مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) که در شکل‌گیری و چاپ این اثر نهایت همکاری را مبذول داشتند.

از همسرم به خاطر همیاری در مراحل کار و از فرزندانم بخاطر همکاری در ایجاد فضای مناسب جهت انجام مراحل مختلف کار در منزل ممنونم و موفقیت روزافزونشان را از خداوند تعالی خواستارم.

در خاتمه اذعان می‌دارم نیازمند ارشادات و پیشنهادات اهل نظر، فضلا و اساتید هستم. امید است حقیر را در انجام این رسالت پژوهشی مدد رسانند و از نظرات نغز و بدیع خویش محرومم نسازند.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضى

www.ketab.ir

پاورقیها

۱. تلخیص از کتب ادیان (تاریخ جامع ادیان، آشنایی با تاریخ ادیان).
۲. آل عمران / ۱۶۴.
۳. ترجمه الحیاة؛ ج ۱، ص ۱۰۱.
۴. ترجمه الحیاة؛ ج ۱، ص ۱۰۱.
۵. سورة نازعات، آیه ۲۴: من پروردگار برتر شما هستم.
ع روم / ۳۰.
۷. «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلٰى فِطْرَةٍ حَتّٰى يَكُوْنَ اَبَوًا يَهُودًا يَهُنْدًا يَمَجْرَانَهٗ وَ يَنْصَرَانَهٗ وَ يُمَجْسَانَهٗ؛ هر زاده شده‌ای بر فطرت توحید زاده است، پس والدین او، او را یهودی یا نصرانی یا مجوس گردانند؛ عوالی اللطالی؛ ج ۱، ص ۳۵، فصل چهارم، ح ۱۸.
۸. آل عمران / ۳۳ و ۳۴.
۹. نهج البلاغه، خطبه ۶.
۱۰. «رحمت او بر خشمش پیشی می‌گیرد» «علم یقین؛ ج ۱، ص ۵۷. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۵۲۹، «کتاب الدعاء»، «باب القول عند الاصبح» ح ۲۰.
۱۱. نساء / ۲۸.
۱۲. مجمع البیان، ذیل تفسیر آیه چهارم، سوره قلم.
۱۳. سورة نازعات، آیه ۲۴: من پروردگار برتر شما هستم.
۱۴. جمعه / ۲.
۱۵. طه / ۴۳-۴۴.
۱۶. فتح / ۲۹.
۱۷. بخشی از آیه ۴۶ سوره سبأ.
۱۸. بقره / ۲۵۷.
۱۹. نساء / ۵۱.
۲۰. نساء / ۵۱.